… غضنفر نامه محرّر نموده و ستايشی بيحصر از شما کرده…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٣٦

… غضنفر نامه محرّر نموده و ستايشی بيحصر از شما کرده که الحمد للّه در اين ايّام به خدمت کلمة اللّه و نشر نفحات اللّه و ترويج آيات بيّنات و تبليغ نفوس طالبان پرداخته‌ايد. اگر چنين است اين نمونه طلايع جيش علّيّين است البتّه فتوحات قلوب ميسّر گردد و ابواب هدايت کبری بر وجه جمّی غفير مفتوح شود. انسان نهايت آنست که چندی به هوی و هوس در اين خاکدان ايّامی بگذراند و عاقبت زيان و خسران روی بنمايد و ابداً ثمر و نتيجه‌ای به دست نيايد. ملاحظه ملوک ايران نمائيد که در زمان شما بودند چون ساغر وجود آنان از باده حيات خالی شد چه نشئه‌ای باقی ماند. اينست که در قرآن می‌فرمايد و جعلناهم احاديث يعنی از آنان قصّه و افسانه‌ای باقی ماند. نه دانه و نه لانه و نه آشيانه و نه موهبت خداوند يگانه نه باده و نه ساغر و نه پيمانه، مانند سراب فانی زائل گرديد. حال شما بايد بنيانی بنهيد که بنيادش در ارض وجود و پايانش در اوج عزّت ابديّه باشد و آهنگی در بزم حيات بلند کنيد که نشئه و اهتزاز در ملکوت آيات اندازد. اينست نتيجه وجود. اينست سرّ شهود. اينست حقيقت مقصود…